



پیشگیری غیر کیفری از جرم در نهج البلاغه

علیرضا تقی پور^{*۱}

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۳/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۰۳

چکیده

امروزه پیشگیری غیر کیفری از جرم، جایگاه ارزشمندی در سیاست جنایی کشورها به خود اختصاص داده است. علت این امر را نیز می‌توان افزایش بی‌رویه ارتکاب جرم در جوامع و عدم توفیق در اقدامات قهرآمیز و سرکوب‌گرانه و بدون نتیجه حقوق کیفری در مبارزه با بزهکاری دانست. به همین علت، تلاش‌های گسترده‌ای در سطح بین‌المللی به صورت تصویب و پذیرش اسناد بین‌المللی حقوق بشر در جهت کاهش بزهکاری صورت پذیرفته است. اسنادی که عمدتاً افزایش کارایی امور غیر کیفری از جمله بهبود وضعیت اقتصادی را مدنظر قرار داده‌اند. به عبارت دیگر، اقداماتی نیز که تاکنون در این راستا در جهان اتخاذ شده، بدون توجه کافی به سایر معیارها از جمله اخلاقی و تربیتی که سهم عمده‌ای در پیشگیری غیر کیفری از جرم ایفا می‌کنند می‌باشد. این در حالی است که بررسی فرامین و توصیه‌های مندرج در نهج البلاغه نشان می‌دهد قرن‌ها قبل از آن که مفهوم پیشگیری غیر کیفری از جرم در علوم جنایی مطرح شود، این موضوع به صورت همه جانبه مورد توجه امیرالمؤمنین علی(ع) قرار داشته است.

کلید واژه‌ها: پیشگیری از جرم، پیشگیری اجتماعی، پیشگیری وضعی، نهج البلاغه، بزهکار.

۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه بوعلی سینا

*: نویسنده مسئول

مقدمه

بزهکاری پدیده‌ای است که از دیرباز امنیت بشر را به خطر انداخته است. تا مدت‌ها، صرفاً کیفر به‌عنوان تنها راهکار مبارزه با بزهکاری شناخته شده بود. اما با انتشار کتاب «انسان بزهکار» اثر لمبروزو، نگاه علمی به پدیده مجرمانه شکل گرفت (نجفی‌ابرنآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۷۷: ۲۰۸). بدینسان، علاوه بر کیفر، اقدامات غیر کیفری نیز مورد توجه قرار گرفت.

در تدابیر پیشگیرانه، به‌ویژه تدابیری که معطوف به قبل از وقوع جرم است، علاوه بر نقش دولت، نقش نهادهای خارج از سیستم رسمی عدالت کیفری، قابل توجه و تعیین‌کننده است. پیشگیری غیر قهرآمیز نیز که در برگرنده مجموعه تدابیر غیر کیفری با هدف مقابله با بزهکاری از رهگذر کاهش یا از بین بردن علل جرم‌زا و تأثیرگذار بر موقعیت‌های پیش جنایی است (مظلومان، ۱۳۵۶: ۱۵۰ و ریموند گسن، ۱۳۷۰: ۱۷۸)، در یک تقسیم‌بندی رایج به پیشگیری اجتماعی^۱ که بیشتر با تأمین حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم در سطح جامعه محقق می‌شود و پیشگیری وضعی^۲ که از طریق تغییر موقعیت‌ها و فرصت‌های بزهکارانه و مداخله در اوضاع و احوال پیرامونی از وقوع جرم پیشگیری می‌کند، تقسیم شده است.

در این مقاله که در دو گفتار تنظیم شده است به بررسی پیشگیری غیرکیفری از بزهکاری در جرم شناسی علمی و آنچه که در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه آمده است پرداخته می‌شود.

گفتار نخست: پیشگیری اجتماعی

از نظر لغوی، پیشگیری به معنای «جلوگیری» و «دفع» آمده است (معین، ۱۳۸۱: ۹۳۳). از نظر جرم شناسی، پیشگیری به دو صورت موسع و مضیق تعریف شده است. به‌گونه‌ای که در مفهوم موسع، شامل اقدام‌های کیفری (واکنشی) و غیرکیفری (کنشی) برای مبارزه با بزهکاری می‌شود (نیازپور، ۱۳۸۳: ۱۷۰). اما در مفهوم مضیق، صرفاً شامل اقدام‌های کیفری سرکوبگرانه می‌شود که نخستین بار از سوی بنیان‌گذاران مکتب تحقیقی مطرح گردید (ژان پرادل، ۱۳۸۱: ۹۶).

پیشگیری اجتماعی به‌عنوان یکی از انواع پیشگیری غیر کیفری که با تأمین حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم در سطح جامعه محقق می‌شود، برفرآیند شکل‌گیری شخصیت فرد یا پیرامون او تأثیرگذار است (نجفی‌ابرنآبادی، ۱۳۸۳: ۵۷۰ و ۵۶۹).

الف: تدابیر تربیتی و آموزشی

محیط خانوادگی، نخستین محیطی است که زمینه اجتماعی‌شدن فرد را فراهم می‌کند. قبول مسؤولیت‌های فردی و اجتماعی از راه یادگیری و تقلید رفتار والدین ظاهر می‌شود (کی‌نیا، ۱۳۷۰، جلد دوم: ۲۴۹). سال‌های نخست تربیت، اهمیت فراوانی دارد. زیرا در این سال‌ها است که ساختار جسمانی،

1. Social prevention
2. Situational prevention

عاطفی، اخلاقی و عقلانی شکل می‌گیرد. کودک، عادات و اخلاق خود را از خانواده می‌گیرد و روابط انسانی و عاطفی را در آن جا می‌آموزد. به همین دلیل، اگر خانواده به‌نحو مؤثری در تربیت فرزندان همت گمارد، موجبی برای بزهکاری آنان در آینده باقی نمی‌ماند. تحقیقات نیز نشان می‌دهد والدین خودکامه و کسانی که فاقد هماهنگی در تربیت فرزندان خود هستند باعث افزایش احتمال بزهکاری آنان در آینده می‌شوند(اشرفی، ۱۳۸۲: ۲۴۵).

از جمله مواردی که باعث افزایش بزهکاری در میان فرزندان می‌شود طلاق والدین است. آمار طلاق در طی سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۶ دارای فراز و نشیب بوده است. به‌گونه‌ای که آمار طلاق در سال ۷۱، ۸ درصد و از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵ دارای سیر صعودی و پس از آن به‌مدت ۵ سال از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ تقریباً ثابت بوده است. آمار طلاق در سال ۱۳۸۰ برابر ۹/۴ درصد، سال ۱۳۸۱ برابر ۱۰/۳ درصد، سال ۱۳۸۲ برابر ۱۰/۶ درصد، سال ۱۳۸۳ برابر ۱۰/۸ درصد، سال ۱۳۸۴ برابر ۱۰/۷ درصد، سال ۱۳۸۵ برابر ۱۲/۱ درصد و در سال ۱۳۸۶ برابر ۱۲/۹ درصد بوده است. همین تحقیق میدانی نشان می‌دهد که نرخ رشد بزهکاری در میان فرزندان طلاق دو برابر سایر بزهکاران بوده است (امین‌آقایی، ۱۳۸۸: ۶۳ و ۶۲). تحقیق میدانی با استفاده از روش مصاحبه با ۲۱۰۵ معتاد نیز نشان می‌دهد که ۷/۳ از افراد نمونه به‌علت اختلاف والدین و ۱۴/۸ درصد نیز تحت تأثیر سایر مشکلات داخلی خانواده به سمت اعتیاد کشیده شده‌اند (امین‌آقایی، ۱۳۸۸: ۶۴).

به همین دلیل در نامه‌ای که امیرالمؤمنین علی(ع) به فرزند خود امام حسن(ع) نگاشته‌اند (نامه ۳۱ نهج‌البلاغه) این‌گونه آمده است: «قلب نوجوان چونان زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود. پس در تربیت تو شتاب کردم پیش از آن که دل تو سخت شود و عقل تو به چیز دیگری مشغول شود. از هر چیزی، مهم و ارزشمند آن را و از هر حادثه‌ای، زیبا و شیرین آن را برای تو برگزیدم. آن‌گونه که پدری مهربان، نیکی‌ها را برای فرزندش می‌پسندد. من نیز بر آن شدم تو را با خوبی‌ها تربیت کنم. پس در آغاز تربیت، تصمیم گرفتم تا کتاب خدای توانا و بزرگ را همراه با تفسیر آیات به تو بیاموزم و شریعت اسلام و احکام آن از حلال و حرام را به تو تعلیم دهم و به چیز دیگری نپردازم.»^۱

موضوع دیگری که در این قسمت می‌توان بدان اشاره نمود، جایگاه محبت در فرآیند جامعه‌پذیری است. هر فردی در زندگی، نیاز به محبت اطرافیان خویش دارد و این احساس نیاز در کودکان و به‌ویژه در اشخاصی که نزدیک به سن بلوغ هستند بیشتر است. این مسأله آن قدر واجد اهمیت است که ریشه بسیاری از ناسازگاری‌ها و بزهکاری افراد را باید در کمبود محبت به آنان از سوی والدین در مراحل اولیه کودکی جستجو کرد. بدیهی است تا زمانی که طفل و نوجوان، آموزش محبت نبینند، نمی‌توان از آنان

۱. و انما قلب الحدث كالارض الخاليه ما القى فيها من شي قبلته. فبادرتك بالادب قبل ان يقسو قلبك و يشتغل لبك. فاستخلصت لك من كل امر نخيله و توخيت لك جميله و صرفت عنك مجهوله و رايت حيث عناني من امرك ما يعنى الوالد الشفيق. و ان ابتدئك بتعليم كتاب الله عز و جل و تاويله، و شرائع الاسلام و احكامه و حلاله و حرامه، لا اجاوز ذلك بك الى غير.

انتظار محبت را در آینده نسبت به دیگران داشت. اما همان گونه که برخی نیز معتقدند نکته حائز اهمیت آن است که افراط چه در محبت و چه سخت گیری، هر دو به یک اندازه مضر است (روسو، ۱۳۸۶: ۱۰۴). به گونه ای که فضای نامناسب عاطفی و کمبود محبت باعث ایجاد ضربات عاطفی بر روحیه طفل و نوجوان شده و پرخاشگری، فقدان اعتماد به نفس و نهایتاً فرار از کانون خانوادگی را به همراه دارد (کی نیا، ۱۳۷۰: ۲۷۸). بدیهی است که محبت بیش از حد نیز می تواند طفل و نوجوان را پر توقع، خودخواه، جاه طلب و نهایتاً جهت به دست آوردن خواسته های بیش از حد خود، بزهکار بار آورد.

در نهج البلاغه (حکمت ۵۰)، امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: «دل های مردم گریزان است. به کسی روی آورند که خوشرویی کند».^۱ همچنین در خطبه ۲۳ این گونه آمده است: «کسی که پروبال محبت را بگستراند، دوستی خویشاوندانش تداوم خواهد داشت».^۲ این خطبه می تواند حاکی از گریزان شدن فرزندان از محیط خانواده به دلیل خشونت والدین و ترس بیش از حد از آنان باشد. مجدداً آن حضرت در نامه ۳۱ نهج البلاغه که به صورت ضمنی و صریح، ابراز محبت به بستگان از آن قابل استنباط است می فرماید: «چون برادرت از تو جدا گردد، تو پیوند دوستی را برقرار کن. اگر روی برگرداند تو مهربانی کن و افراد خانواده ات بدبخت ترین مردم نسبت به تو نباشند».^۳

اما در همین حال امام (ع) اعتدال در پرداخت به امور خانواده را مدنظر قرار داده و در حکمت ۳۵۲ می فرماید: «بیشترین اوقات زندگی را به زن و فرزندت اختصاص مده».^۴

موضوع دیگری که در بحث از تدابیر تربیتی مطرح است، معاشرت و دوستی با افراد است. انسان بنا به فطرت خود، میل به رفاقت و دوستی دارد. تأثیر دوست چه در جهت مثبت و چه منفی، تأثیری شگرف است. زیرا انسان ها در پی رفاقت و معاشرت، بر یکدیگر تأثیرگذار بوده و خوی و خصلت یکی به دیگری سرایت می کند. خواه سرایت نیکویی و درستی باشد و خواه پلیدی و تبهکاری (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۰: ۱۱۰). تأثیرپذیری از دوستان به ویژه در دوران نوجوانی از اهمیت بالایی برخوردار است. زیرا در این سنین، مهمترین دغدغه فرد، بلوغ و سؤالاتی در این زمینه است. به همین دلیل، والدین نقش مهمی در یافتن معاشران خوب برای فرزندان خود ایفا می کنند. به گونه ای که می توان ادعا نمود تأثیری که دوست بر جای می گذارد به مراتب از اندرز و راهنمایی والدین بالاتر است.

ساترلند، جرم شناس آمریکایی معتقد است، افراد به این علت کج رفتار و منحرف می شوند که تعداد ارتباط های انحرافی آنان بیش از ارتباط های غیرانحرافی شان است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۴۸). بنابراین، هر چقدر فرد با دوستان فاسد معاشرت داشته باشد، بیشتر در معرض انحراف قرار می گیرد. از آنان تأثیر پذیرفته و خرده فرهنگ های آنان را نیز قبول می کند.

۱. قلوب الرجال وحشیه، فمن تالفها اقبلت علیه.

۲. و من تلن حاشيته يستدم من قومه الموده.

۳. احمل نفسک من اخیک عند صرمه علی الصله و عند صدوده علی اللطف و المقاربه. و لایکن اهلک اشقی الخلق بک.

۴. لا تجعلن اکثر شغلک باهلک و ولدک.

امیرالمؤمنین علی(ع) بیانات گهرباری در رابطه با آیین دوست‌یابی دارند. ایشان در بیان منزوی نبودن افراد و ارتباط با دیگران می‌فرمایند: «دوستی کردن نیمی از خردمندی است» (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۲)^۱ و «ناتوان‌ترین مردم کسی است که در دوست‌یابی ناتوان است» (نهج البلاغه، حکمت ۱۲)^۲. معیارهایی نیز توسط آن حضرت در انتخاب دوست مطرح شده است. ایشان می‌فرمایند: «دوستان خدا را دوست شمار و از همنشینی با فاسقان بپرهیز» (نهج البلاغه، نامه ۶۹)^۳. «همنشین بی‌خرد مباش که کار زشت خود را زیبا جلوه‌داده و علاقمند است تو همانند او باشی» (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۹)^۴ و «از دوستی با بخیل بپرهیز زیرا آن چه را که سخت به آن نیاز داری دریغ می‌کند. از دوستی با بدکار بپرهیز که با اندک بهایی تو را می‌فروشد و از دوستی با دروغگو بپرهیز که او به سراب ماند. دور را به تو نزدیک و نزدیک را به تو دور می‌نمایند» (نهج البلاغه، حکمت ۳۸)^۵. دلیل چنین تأکیدی این است که تأثیرپذیری انسان در رفاقت و معاشرت زیاد بوده و دوستی‌ها و رفاقت‌های غیرمنطقی می‌تواند نتایج تلخ و مصائب سنگین در پی داشته باشد.

ب: تدابیر فرهنگی

پیشگیری اجتماعی در برگزیده تدابیر فرهنگی نیز می‌شود. یعنی مجموعه پیچیده‌ای از ارزش‌ها، عقاید، هنر، آداب و رسوم و هر رفتار دیگری که به‌عنوان میراث مشخص، حاکم بر روابط فردی و اجتماعی جامعه است (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۶۱). فرهنگ هر جامعه، بنیان نظام اجتماعی و نظام روانی آن جامعه می‌باشد. از این‌رو فرهنگ در شکل‌گیری ساختارها و نهادهای اجتماعی، شخصیت افراد و حتی رفتار آنان نقش بسزایی دارد.

از جمله مسائل فرهنگی که در این قسمت مطرح می‌شود، روابط زناشویی میان همسران است. تحقیق میدانی از ۲ گروه از زنان و مردان متأهل نشان داد که گروه اول شامل ۵۰ زن متأهل که از ازدواج آنان ۱ تا ۱۰ سال می‌گذرد، میانگین رضایت از روابط جنسی ۳۷/۷ درصد، میانگین رضایت این زنان از روابط عاطفی ۳۳/۶ درصد، میانگین سوءظن آنان نسبت به وفاداری همسرانشان ۴۲/۲ درصد و میانگین گرایش آنان به روابط نامشروع ۴۲/۷ درصد می‌باشد.

گروه دوم نیز شامل مردان متأهلی می‌شود که از ازدواجشان ۱ تا ۱۰ سال می‌گذرد و میانگین رضایت از روابط جنسی ۳۸/۳ درصد، میانگین رضایت آنان از روابط عاطفی ۳۴/۴ درصد، میانگین سوءظن آنان

۱. التودد نصف العقل.

۲. اعجز الناس من عجز عن اكتساب الاخوان.

۳. و اياك و مصاحبه الفساق، فان الشر بالشر ملحق و قر الله و احب احبائه.

۴. من اطاع التواني ضيع الحقوق و من اطاع الواشي ضيع الصديق.

۵. يا بني، اياك و مصادقه الاحمق، فانه يريد، ام ينفعك فيضرك و اياك و مصادقه البخيل، فانه يقعد عنك احوج ما تكون اليه و اياك و مصادقه الفاجر، فانه يبيعك بالتافه و اياك و مصادقه الكذاب فانه كالسراب يقرب عليك البعيد و يبعد عليك القريب.

نسبت به وفاداری همسر ۴۴/۲ درصد و میانگین گرایش آنان به روابط نامشروع ۵۸/۴ درصد گزارش شده است.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که میانگین رضایت از روابط عاطفی و نیز روابط جنسی پایین تر از ۵۰ درصد و میانگین گرایش به روابط نامشروع به ۵۰ درصد و بالاتر از آن می‌رسد که بیانگر ضعف آگاهی از مسأله ازدواج می‌باشد (شیردل، ۱۳۸۵: ۱۴۲).

تقویت حیاء و غیرت و فرهنگ‌سازی آن از جمله راه‌های پیشگیری از انحرافات است. امیرالمؤمنین علی(ع) حیاء را عامل کنترل و بازدارنده انسان از ارتکاب زشتی‌ها دانسته و از وجود رابطه قوی و ناگسستگی بین حیاء و پاکی از آلودگی خبر می‌دهد. ایشان در این رابطه می‌فرمایند: «هرکس لباس حیاء بپوشد مردم عیب او را نمی‌بینند» (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۳)^۱. علاوه بر حیاء، غیرت نیز در کنترل جرائم علیه اخلاق نقش اساسی ایفا می‌کند. در حکمت ۳۰۵ نهج البلاغه آمده است: «شخص با غیرت هیچ‌گاه زنا نمی‌کند»^۲.

تقویت ارزش‌های گروهی از دیگر مواردی است که مورد اهتمام اسلام قرار گرفته است. عباراتی همچون «یکدیگر را در انجام کارهای خیر یاری کنید» (سوره احزاب، آیه ۲) نشانگر توجه به همگرایی و اجتماعی بودن افراد است. بدیهی است هر قدر مناسبات افراد به‌ویژه جوانان با محیط‌ها و گروه‌های سالم بیشتر باشد، فرد کمتر به سمت ارتکاب جرم سوق می‌یابد (وایت، ۱۳۸۳: ۳۶۶). نظریه‌ای نیز وجود دارد که انحرافات اجتماعی را حاصل فقدان کنترل اجتماعی می‌داند. هیرشی از بنیانگذاران این نظریه که به نظریه «کنترل اجتماعی» معروف شده معتقد است هر قدر فرد، پیوند اجتماعی قوی‌تری داشته و در گروه‌ها و نهادهای مختلف فعالیت کند، رفتار وی کنترل شده و از ارتکاب جرم خودداری می‌کند (صدیق‌سروستانی، ۱۳۸۷: ۵۲).

در نهج البلاغه، از پراکندگی و اختلاف در موارد متعددی نهی شده است. در خطبه ۵ آن حضرت می‌فرمایند: «ای مردم از اختلاف و پراکندگی بپرهیزید»^۳ و در خطبه ۳۴ آمده است: «شما به شتران بی‌ساربان می‌مانید که هرگاه از یک طرف جمع گردید، از سوی دیگر پراکنده می‌شوید»^۴. همچنین در خطبه ۱۲۷ آن حضرت می‌فرمایند: «از پراکندگی بپرهیزید که انسان تنها، بهره شیطان است آن‌گونه که گوسفند تنها، طعمه گرگ خواهد بود»^۵.

بیانات امیرالمؤمنین علی(ع) به وضوح حاکی از اثرات منفی فردگرایی و بالعکس، اثرات مثبت پیوندهای گروهی و اجتماعی و در نتیجه ایجاد حس وابستگی متقابل و ایجاد روحیه جمع‌گرایی است.

۱. من كساه الحياء ثوبه لم ير الناس عيبه.

۲. ما زنى غيور قط.

۳. و عرجو عن طريق المنافره.

۴. ما انتم الا كابل ضل رعائتها، فكلما جمعت من جانب انتشرت من آخر.

۵. فان الشاذ من الناس للشيطان، كما ان الشاذ من الغنم للذئب.

ج: تدابیر اقتصادی

پیشگیری جامعه مدار به عنوان یکی از شاخه‌های پیشگیری اجتماعی، توجه عمده‌ای به طراحی محیط و ساماندهی محیط‌های نامناسب و بهبود شرایط اقتصادی دارد. این نوع پیشگیری تلاشی است برای کاهش عوامل جرم‌زا به ویژه عواملی که از نظر اقتصادی بر ارتکاب جرم مؤثر هستند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۵۷۰).

بیکاری و فقر به عنوان معضلات اجتماعی، نقش مهمی در افزایش بزهکاری دارند به گونه‌ای که می‌توان ادعا نمود اکثریت جرائم علیه اموال و اخلاق، ریشه در فقر و بیکاری دارند. به همین دلیل، ایجاد امنیت شغلی از جمله وظایفی است که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر بر عهده دولت‌ها نهاده شده است. زیرا تأمین نیازهای اساسی زندگی، مستلزم کسب درآمد و داشتن شغلی مطمئن و درآمدزا می‌باشد. در نظام بین‌المللی، علاوه بر شناسایی حق کار همراه با شرایط منصفانه، حمایت کارگران در مقابل بیکاری بر اساس ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی لحاظ گردیده است. در ماده ۱۳ اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز آمده است: «... هر انسانی، آزادی انتخاب به کار شایسته را دارد به گونه‌ای که هم مصلحت خود و هم جامعه برآورده شود... و نباید او را به کاری که توانش را ندارد واداشت یا اکراه به کاری نمود».

در راستای پیشگیری از فقر نیز ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مقرر کرده‌اند که هر کس حق دارد از سطح زندگی شایسته برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش از حیث خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و دیگر خدمات اجتماعی لازم برخوردار باشد و در کلیه مواردی که از وسایل امرار معاش محروم می‌شود از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود.

همان‌گونه که مطرح شد، فقر را می‌توان عامل مؤثری در پیدایش ناهنجاری‌ها و ارتکاب جرم معرفی کرد. نتایج ۴۰ پژوهش با مطالعه میدانی در زمینه اعتیاد نشان می‌دهد که در کنار سایر عوامل، فقر و شکاف طبقاتی به عنوان یک عامل اصلی در کشیده شدن افراد به اعتیاد، ایفای نقش کرده است (معدنی، ۱۳۸۱: ۴). روسپیگری نیز که رابطه‌ی جنسی خارج از مناسبات زناشویی است از جمله جرایمی به‌شمار می‌رود که فقر بر ارتکاب آن تأثیرگذار بوده است. تحلیل ۲۰ تحقیق نشان می‌دهد که در ۱۰۰ درصد از این پژوهش‌ها، فقر به عنوان عامل اول گرایش به روسپیگری شناخته شده است (امین‌آقایی، ۱۳۸۸: ۷۵). پژوهش دیگری نشان می‌دهد که در میان عوامل متعدد در فرار دختران از منزل، ۱۰ درصد نیز فقر به عنوان عامل مؤثر بر فرار دختران مطرح بوده است (امین‌آقایی، ۱۳۸۸: ۷۷).

اسلام نیز با سفارش به خمس، زکات و انفاق، اراده کرده است جامعه دچار ناهمگونی، اختلاف طبقاتی و تقسیم به دو دسته فقیر و ثروتمند نشود.

امیرالمومنین علی(ع) در بیانات متعددی به فقر و آسیب‌های آن اشاره کرده‌اند: «تنگدستی موجب شکست و کمبود در دین است» (حکمت ۲۵۸)^۱. «انسان تهیدست در شهر خویش نیز بیگانه است» (حکمت‌های ۳ و ۵۶)^۲. «فقر نوعی بلا و مرگ بزرگ است» (حکمت‌های ۱۶۳ و ۳۸۸)^۳. ایشان به محمد حنفیه می‌فرمایند: «من از تهیدستی، بر تو هراسناکم. از فقر به خدا پناه ببر که فقر، دین انسان را ناقص و عقل را سرگردان و عامل دشمنی است» (حکمت ۳۱۹)^۴. آن حضرت برای رفع فقر نیز نه تنها مردم را به کسب حلال دعوت می‌کنند، بلکه توصیه‌هایی را نیز در این رابطه مطرح می‌نمایند: «خداوند روزی شما را ضمانت کرده و به کار و تلاش امر فرموده است» (خطبه ۱۱۴)^۵. «مؤمن باید شبانه‌روز خود را به سه بخش تقسیم کند که بخشی از آن تأمین هزینه زندگی و کسب حلال است» (حکمت ۳۹۰)^۶. «اما حق مردم بر رهبر آن است که بیت‌المال را به‌نحو عادلانه میان آنان تقسیم کند» (خطبه ۳۴)^۷. «و هم‌تراز با سایر مردم باشد تا تحمل فقر بر فقرا دشوار نیاید» (خطبه ۲۰۹)^۸. «خداوند سبحان، روزی فقرا را در اموال سرمایه‌داران قرار داده است. پس فقری گرسنه نمی‌ماند جز به کامیابی توانگران و خداوند از آنان درباره گرسنگی گرسنگان خواهد پرسید» (حکمت ۳۲۸)^۹.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود، آن حضرت با آگاهی از بیماری، درمان آن را نیز از طریق خود مردم (کار و کسب حلال)، کارگزاران (تقسیم عادلانه ثروت) و ثروتمندان (انفاق) معرفی می‌نمایند.

گفتار دوم: پیشگیری وضعی

همان‌گونه که سابقاً مطرح گردید، یکی از شیوه‌های پیشگیری غیرقهرآمیز، پیشگیری وضعی است. یعنی پیشگیری از جرم با تدابیری که بر موقعیت‌های محیطی و زمینه‌ساز جرم یا وضعیت‌های پیش‌جنایی تأثیر می‌گذارد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۳: ۱۵۶). به‌عبارت دیگر، این نوع پیشگیری، با تغییر وضعیت فرد یا شرایط محیط بیرونی مانند مکان و زمان درصدد است تا از ارتکاب جرم جلوگیری کند و شامل دو دسته تدابیر می‌باشد. دسته نخست که به‌دنبال سلب امکان فعل مجرمانه یا لااقل دشوار نمودن آن مانند سخت کردن دسترسی به آماج‌ها یا محافظت از بزه دیدگان بالقوه هستند. دسته دوم شامل اقداماتی است که با هدف

۱. اذا املقتم فتاجرو الله بالصدق.

۲. و الفقر يخرس الفطن عن حجه و المقل غريب في بلدته.

۳. الفقر الموت الاكبر.

۴. يا بني، اني اخاف عليك الفقر، فاستعد بالله منه، فان الفقر منقصة للدين! مدهشه للعقل داعيه للمقت.

۵. قد تكفل لكم بالرزق و امرتم بالعمل.

۶. للمومن ثلاث ساعات، و ساعه يرم معاشه.

۷. و توفير فيئكم عليكم.

۸. ان الله تعالى فرض على الائمه العدل ان يقدروا انفسهم بضعفه الناس، كيلا يتبغ بالفقر قرة.

۹. ان الله سبحانه فرض في اموال الاغنياء اقوات الفقراء، فما جاع فقيراً الا بما منع غنى و الله تعالى سائلهم عن ذلك.

کاستن از جاذبه‌های مجرمانه و عوامل تحریک‌کننده درصدد است تا از تصمیم نهایی مجرم و گذر از اندیشه به عمل جلوگیری کند (میرخلیلی، ۱۳۸۸: ۳۶). با توجه به آنچه که مطرح گردید، مشخص می‌شود که پیشگیری وضعی بر این مبنا استوار است که بزهکاری و بزه‌دیدگی رویداد تصادفی نیست، بلکه مبتنی بر فرصت‌های موجود می‌باشد. بنابراین با اعمال این پیشگیری، هزینه (خطر) ارتکاب جرم را می‌توان افزایش داد.

از جمله مواردی که در بحث پیشگیری وضعی مطرح می‌شود، کنترل و نظارتی است که هم از سوی مقامات رسمی جامعه مانند پلیس صورت می‌پذیرد و هم از طرف مردم که از آن به کنترل رسمی و غیررسمی یاد شده است.

الف: کنترل رسمی و غیر رسمی

کشورهای مختلف نقش مهمی برای نیروهای امنیتی و پلیس در پیشگیری از جرم قائل هستند. اصلی‌ترین وظیفه پلیس نیز پیشگیری از جرائم بوده و معمولاً نظارت و کنترل خود را در مناطق بحرانی اعمال می‌کنند. مناطق بحرانی، مناطقی به‌شمار می‌روند که به‌دلیل ویژگی‌های خاص، سطح ارتکاب جرم در آنها بالا است (کلارک، ۱۳۸۸: ۱۴۵). این مشکل یعنی افزایش ارتکاب جرم در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی باعث کاهش محبوبیت و مشروعیت پلیس در ایالات متحده آمریکا گردید. به همین دلیل، ادارات پلیس در ایالات متحده آمریکا اقداماتی را در این راستا از جمله تخصصی کردن خود و سرمایه‌گذاری در بخش‌های سخت افزاری و استقبال از شیوه‌های جدید و واکنشی تر پلیس ۹۱۱ که با تلفن و وسیله نقلیه امکان‌پذیر بود انجام دادند. بدین ترتیب، امکان پاسخ سریع به تماس‌های تلفنی اضطراری مردم فراهم شد. اما همین اقدامات نیز باعث نگردید که فاصله به‌وجود آمده میان مردم و پلیس کاهش یابد و در نتیجه پلیس موفق به اجرای خواسته‌های خود آن‌گونه که برای آن تدارک دیده بود نشد. علت این امر را می‌توان فاصله گرفتن از مردم و عدم حضور ماموران پلیس در گشت‌های پیاده خیابانی ذکر کرد (دیوید کارلند، ۱۳۸۳: ۷۴۴). زیرا حضور مستمر، فعال و مداوم پلیس در میدان، پارک‌ها و نواحی پرجمعیت شهری سبب کاهش جرائم می‌شود. بدین معنا که حضور آنان در شهر، وضعیت را به نفع بزه‌دیدگان و به ضرر بزهکاران تغییر داده به‌گونه‌ای که باعث کاهش فرصت جرم می‌شود.

از جمله نهادهای دیگری که می‌تواند زمینه و فرصت ارتکاب جرم را از بین ببرد نهاد قضایی است. به عنوان مثال، صدور قرار بازداشت، گاهی از جرائم احتمالی که ممکن است علیه بزهکار از سوی بزه‌دیده و یا بستگان وی واقع شود (خالقی، ۱۳۸۷: ۲۱۹) و یا جرائمی که ممکن است توسط خود بزهکار علیه شهود رخ دهد جلوگیری می‌کند. همچنین رسیدگی به جرائم اطفال در دادگاه ویژه آنان صورت می‌پذیرد. زیرا طبع و روحیه کودک و نوجوان ایجاب می‌کند تا روش‌ها و شیوه‌های مناسب برای اصلاح آنان و پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم اتخاذ شود (مؤذن‌زادگان، ۱۳۸۳، ۱۴۱).

رسانه‌های جمعی اعم از شنیداری، دیداری و ... از دیگر نهادهایی هستند که به دلیل دارا بودن مخاطبین زیاد و سرعت انتقال مطالب می‌توانند سطح اطلاعات مردم را در زمینه انواع بزهکاری و شیوه‌ها

و ترفندهای بزهکاران بالا برده و بدین سان با استفاده از هشدارهای قضایی و آموزش در این زمینه از امکان فراهم آمدن موقعیت‌های ارتکاب جرم جلوگیری نمایند.

اما از جمله ساختارهای مهم کنترل اجتماعی که می‌توان از آن به‌عنوان کنترل غیررسمی یاد کرد، امر به معروف و نهی از منکر است. از نظر دین مبین اسلام، افراد جامعه در قبال یکدیگر مسئول بوده و وظیفه مراقبت و نظارت اجتماعی را بر عهده دارند. از این نهاد تحت عنوان دفاع اجتماعی در مقابل دفاع فردی که همان دفاع مشروع است نام می‌برند (فیض، ۱۳۸۱: ۳۳۸). امر به معروف و نهی از منکر، جنبه تنبیهی و قهر آمیز ندارد و اصولاً اجرای چنین وظیفه‌ای، مجازات و سرکوبی افراد نیست، بلکه مقصود از آن، جلوگیری از ارتکاب منکر و تلاش در جهت گسترش معروف است. افراد جامعه بر یکدیگر ولایت ندارند و نمی‌توانند در جهت پیشگیری از منکر، دست به تنبیه دیگران بزنند. همچنین این نهاد نه تنها در برابر جرم که واجد ضمانت اجرا است قرار می‌گیرد، بلکه اعمال منکری را نیز که جرم تلقی نمی‌شوند در بر می‌گیرد. بنابراین رابطه بین جرم و منکر را می‌توان عموم و خصوص مطلق نامید.

امیرالمؤمنین علی(ع) در ارتباط با کنترل و نظارت، آن چه را که در وهله اول با اهمیت تلقی کرده‌اند، کنترل خود افراد نسبت به عملکردشان می‌باشد قبل از این که مورد نظارت قرار بگیرند. ایشان می‌فرمایند: «خداوند نسبت به تمام اسرار نهان، آگاه و از باطن همه با خبر است و به همه چیز احاطه دارد» (خطبه ۸۶ نهج البلاغه)^۱ و همچنین «خداوند از اسرار پنهانی مردم و از نجوای آنان که آهسته سخن می‌گویند و از آن چه که در فکرها به واسطه گمان خطور می‌کند آگاهی دارد» (خطبه ۹۱ نهج البلاغه)^۲. اما از جمله وظایف حاکم جامعه، نظارت بر رفتار و عملکرد افراد از طریق بازرسان معتمد نیز می‌باشد. امیرالمؤمنین خطاب به مالک‌اشتر می‌فرمایند: «رفتار کارمندان را بررسی کن و جاسوسانی راستگو و وفا پیشه بر آنان بگمار که مراقبت و بازرسی تو از کار آنان، سبب امانت داری خواهد بود و از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تأیید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کرده و او را کیفر کن» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)^۳. بدین ترتیب از دیدگاه آن حضرت، هم بازرسی درونی و هم بیرونی باید همزمان مورد توجه قرار گیرد و اکتفا به یکی از این دو مورد نمی‌تواند کمکی به پیشگیری از انحراف کند.

اما زمانی می‌رسد که بازرسی از دو نوع اخیر نمی‌تواند مانع از انحرافات شود. در این صورت است که نوبت به اقدامات سختگیرانه می‌رسد. به همین دلیل، امر قضا نیز در نزد امیرالمؤمنین از اهمیت بالایی برخوردار است. ایشان به مالک‌اشتر می‌فرمایند: «از میان مردم، برترین فرد را برای قضاوت انتخاب کن.

۱. قد علم السرائر و خیر الضمائر، له الاحاطه بكل شیء و الغلبه لكل شیء و القوه علی کل شیء

۲. عالم السر من ضمائر المضمین، و نجوی المتخافتین و خواطر رجم الظنون.

۳. تم تفقد اعمالهم، و ابعث العیون من اهل الصدق و الوفاء علیهم، فان تعاهدک فی السر لامورهم حدوده لهم علی استعمال الامانه، و الرفق بالرعیه و تحفظ من الاعوان، فان احداً منهم بسط یده الی خیانه اجتمعت بها علیها عندک اخبار عیونک، اکتفیت بذلک شاهداً فبسطت علیه العقوبه فی بدنه.

کسی که از مراجعه پیاپی شاکیان خسته نشود. در کشف امور از همه شکیباتر و در فصل خصومت از همه قاطع تر باشد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)^۱. در جای دیگری و در بیان مدعیان دروغین قضاوت می‌فرمایند: «در میان مردم با نام قاضی به داوری می‌نشیند در حالی که نمی‌داند درست حکم کرده یا برخطاست. از روی علم و یقین سخن نمی‌گوید و برای منصب قضاوت اهلیت ندارد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷)^۲.

اما آگاه نمودن مردم نسبت به انواع انحرافات و ترفندهای منحرفان، از دیگر وظایف حاکمان جامعه است. در همین زمینه آن حضرت می‌فرماید: «سفارش می‌کنم شما را به پروا داشتن از خدا که شما را پرهیز داد از دشمنی شیطان که پنهان در سینه‌ها راه می‌یابد، آهسته در گوش‌ها راز می‌گوید، وعده‌های دروغین داده، زشتی‌های گناهان را زینت می‌دهد و آرام آرام دوستان خود را فریب داده و راه رستگاری را بر روی دربند شدگانش می‌بندد» (نهج البلاغه، خطبه ۸۳)^۳. «منحرفان، شیطان را معیار کار خود گرفتند و شیطان نیز آنان را در دام خود قرار داد. با چشم آنان می‌نگریست و با زبان‌هایشان سخن می‌گفت و کردارهای زشت را در نظرشان زیبا جلوه داد» (نهج البلاغه، خطبه ۷)^۴ و «شیطان همواره با او می‌باشد و گناهان را زشت جلوه می‌دهد تا بر او تسلط یابد» (نهج البلاغه، خطبه ۶۴)^۵.

در بحث از امر به معروف و نهی از منکر که به نوعی تمام بیانات حضرت علی (ع) در نهج البلاغه را می‌توان به این موضوع ارتباط داد، در مواردی به‌طور صریح می‌فرمایند: «از حدود و مرز حلال و حرام آگاهی‌تان دادم. نیکی‌ها را با اعمال و گفتار خود در میان شما رواج دادم و ملکات اخلاقی انسانی را به شما نشان دادم» (نهج البلاغه، خطبه ۸۷)^۶. «مردم را از حرام و منکرات بازدارید و خود هم مرتکب نشوید زیرا دستور داده شده که ابتدا خود، محرّمات را ترک و سپس مردم را بازدارید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۵)^۷ و

۱. ثم اختر للحکم بین الناس افضل رعیتک فی نفسک ممن لاتضیق به الامور و لا تمحکه الخصوم و لا یتمادی فی الزله و لا یحصر من الفیء الی الحق اذا عرفه و لا تشرف نفسه علی طمع و لا یکتفی بادی فهم دون اقصاء و اوقفهم فی الشبهات و اخذهم بالحجج، و اقلهم تیرما بمراجعه الخصم و اصبرهم علی تکشف الامور و اصبرهم عند اتضاح الحکم ممن لا یزدهیه اطراء و لا یستمیله اغراء و اولئک قلیل.

۲. جلس بین الناس قاضياً ضماناً لتخلیص ما التبس علی غیره فان نزلت به احدى المبهمات هیا لها حشوا رثا من رایه، ثم قطع به.

۳. اوصیکم بتقوی الله الذی اعذر بما انذر، و احتج بما نهج و حذرکم عدواً نفذ فی الصدور خفیاً و نفث فی الاذان نجیاً، فاضل و اردی و وعد فمنی و زین سیئات الجرائم و هون موبقات العظائم حتی اذا استدرج قرینته و استغلق رهینته، انکر ما زین و استعظم ما هون و حذر ما امن.

۴. اتخذوا الشیطان لامرهم ملاکاً، و اتخذهم له اشراکاً فباض و فروخ فی صدورهم و دب و درج فی حجورهم فنظر باعینهم و نطق بالسنتهم فرکب بهم الزلل و زین لهم الخطل.

۵. و الشیطان موکل به، یزین له المعصیه لیرکبها.

۶. و قفتم علی حدود الحلال و الحرام و البستکم العافیة من عدلی و فرشتکم المعروف من قولی و فعلی و اریتم کرائم الاخلاق من نفسی.

۷. و انها عن المنکر و تنهاها عنه، فانما امرتم بالنهی بعد التناهی.

«خداوند امر به معروف را برای اصلاح کار همگان و نهی از منکر را برای بازداشتن بی‌خردان وضع کرده است» (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲).^۱

ب: کاهش عوامل محرک و تقویت آماج جرم

اقدام‌های پیشگیرانه وضعی ناظر به اوضاع و احوال و شرایطی است که مجرم را در آستانه ارتکاب جرم قرار می‌دهند. این اوضاع و احوال، فرآیند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه را تحریک یا تسهیل کرده و نقش تعیین‌کننده‌ای در آن ایفا می‌کنند (نجفی‌ابرنادآبادی، ۱۳۸۳، ۵۸۱ و ۵۸۰).

بزه دیده یا آماج جرم نیز جزو این وضعیت‌ها قلمداد می‌شوند. به‌نظر می‌رسد روش مؤثر برای متوقف کردن مرتکب جرمی مانند تخریب یا سرقت، ایجاد موانع فیزیکی مانند قفل، ساخت پارکینگ در برج‌های مسکونی و رؤیت‌پذیر کردن آماج‌ها از طریق تقویت روشنایی خیابان‌ها باشد.

در مواردی که آماج‌های محافظت نشده وجود داشته باشد، نه تنها مجرمان حرفه‌ای، آنها را بر آماج‌های حفاظت شده ترجیح می‌دهند بلکه مجرمان غیرحرفه‌ای و سایر افراد دارای زمینه مجرمانه نیز وقتی به آسان بودن شرایط ارتکاب جرم توجه کنند، نسبت به ارتکاب جرم وسوسه می‌شوند. راهبردهای محافظت از آماج‌ها همان‌گونه که برخی نیز معتقدند با دو هدف اساسی پیشگیری وضعی هماهنگ است. هدف نخست، کاهش وسوسه‌های مجرمانه و جلوگیری از ایجاد انگیزه در افراد است و هدف دوم، دشوار نمودن وقوع عمل مجرمانه است که با استفاده از این شیوه به‌دست می‌آید (میرخلیلی، ۱۳۸۸، ۱۹۷).

از دیگر مواردی که در کاهش عوامل محرک، نقش مؤثری ایفا می‌کند، مراقبت از افراد نسبت به حضور در برخی محافل و مجالس است که ممکن است منجر به ارتکاب برخی جرائم در آن امکان شود. ساترلند، جرم‌شناس آمریکایی با ارائه نظریه معاشرت‌های ترجیحی (افتراقی)^۲ معتقد است جرم به‌عنوان رفتاری محسوب می‌شود که توسط افراد و گروه‌های کوچک و طی فرآیند ارتباطی آموخته می‌شود. بر طبق این نظریه، یک فرد، رفتار مجرمانه را تا جایی ادامه می‌دهد که ویژگی‌های خود را با اشخاص واقعی که رفتار مجرمانه وی از نظر آنان قابل‌قبول به‌نظر می‌رسد، تطبیق دهد (نجفی‌ابرنادآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۷۷، ۱۳۸ و ۱۳۷). بنابراین همان‌گونه که مطرح شد، مراقبت از رفت و آمد در مکان‌های مشکوک و نیز از بین بردن محیط‌های آلوده و مفسده‌انگیز، روش‌های مؤثری در این راستا به‌شمار می‌روند.

موضوع دیگری که می‌تواند به‌عنوان یک عامل محرک محسوب شود، طرز پوشش و زینت زنان است. بدیهی است آویزان کردن طلا در دست و گردن زنان و دختران و آشکار کردن آن در مکان‌های پرتردد می‌تواند در وهله نخست، باعث ایجاد انگیزه سرقت و در وهله دوم، زمینه‌ساز جرائم جنسی گردد. آشکار بودن زیورآلات زنان و دختران، جذابیت خاصی برای مجرمین مالی دارد. زیرا از یک سو، هم ارتکاب و هم منافع آن برای سارق بالاتر است و از سوی دیگر، می‌تواند متعاقباً باعث وسوسه مرتکب جرم و تجاوز جنسی شود.

۱. و الامر بالمعروف مصلحه للعوام، و النهی عن المنکر ردعا للفسها.

امیرالمؤمنین علی(ع) در زمینه عوامل محرک و جرم‌زا، بیانات متعددی دارند. در خصوص مذمت محیط‌های آلوده می‌فرمایند: «آن کسی که در میان شما باشد، گرفتار گناه و آن کسی که از شما دوری گزیند، مشمول آموزش پروردگار می‌شود» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳)^۱. همچنین در جای دیگری می‌فرمایند: «کسی که از جامعه فاسد و منحرف کمک بخواند، خوار و ذلیل می‌شود و کسی که به گفته این جامعه مغرور شود، فریب خورده است» (نهج البلاغه، خطبه ۲۹)^۲.

آن حضرت در گفتاری که از آن، امن بودن مکان‌ها از دستبرد و تجاوز استنباط می‌شود می‌فرمایند: «خداوند، آدم را در خانه‌ای مسکن داد که زندگی در آن گوارا بود و جایگاه او را امن و امان بخشید» (نهج البلاغه، خطبه ۱)^۳. اما حاکمان جامعه نیز برای در امان ماندن مسکن مردم وظایفی بر عهده دارند. به همین دلیل: «مردم به زمامداری نیک یا بد نیازمند هستند تا مؤمنان در سایه حکومت و استقرار آن زندگی کنند. جاده ها، امن و امان، نیکوکاران در رفاه و از دست بدکاران در امان باشند» (نهج البلاغه خطبه ۴۰)^۴.

همچنین ایشان در نکوهش نگاه شهوت‌آمیز به زنان می‌فرمایند: «هر گاه کسی از شما با نگاه به زنی به شگفتی آید، با همسرش بیامیزد» (حکمت ۴۲۰)^۵ و در جای دیگری که می‌توان پیشگیری وضعی را از آن استنباط نمود می‌فرمایند: «زنان را در پرده حجاب نگاهشان دار تا نامحرمان را ننگرند زیرا سخت‌گیری در پوشش، عامل سلامتی و استوار آنان است» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)^۶.

نتیجه‌گیری

بزه و بزهکاری، موضوعی بسیار قدیمی است و سابقه ای به طولانی عمر بشر دارد. به همین دلیل، مبارزه با پدیده مجرمانه و گرایشهایی که مصالح و منافع فردی و عمومی را تهدید می‌کنند از مسائل اجتناب-ناپذیر حکومت‌ها در هر جامعه‌ای است. اما نه تنها بیش از صد سال از سیاست‌های علمی راجع به پیشگیری از وقوع بزه نمی‌گذرد، بلکه مواردی نیز که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر به چشم می‌خورد، عمدتاً راجع به افزایش رفاه اجتماعی است بدون آن که نگاه همه جانبه‌ای به موضوع پیشگیری غیر کیفری وجود داشته باشد.

۱. و المقيم بين اظهركم مرتهن بذنبه و الشاخص عنكم متدارك برحمه من ربه.

۲. ما عزت دعوه من دعاكم. المغرور و الله من عزرتموه.

۳. ثم اسكن سبحانه آدم داراً أرغد فيها عيشه و آمن فيها محلته.

۴. و انه لا بد للناس من امير بر او فاجر يعمل في امرته المومن، و يستمتع فيها الكافر و يبلغ الله فيها الاجل و يجمع به النى ء، و يقاتل به

العدو و تامل به السبل و يوخذ به للضعيف من القوى حتى يستريح بر و يستراح من فاجر.

۵. فاذا نظر احدكم الى امراه تعجبه قليلا مس اهل.

۶. و اكف عليهن من ابصارهن بحجابك اياهن، فان شده الحجاب ابقي عليهن.

در اسلام توصیه‌های فراوانی جهت خشکاندن ریشه‌های جرم و مبارزه اصولی با تخلفاتی که ممکن است در جامعه رخ دهد، به چشم می‌خورد و تعالیم حیات بخش آن، راه‌ها و روش‌های گوناگونی را در این زمینه پیش‌بینی نموده‌اند. سخنان و خطابه‌های حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) به‌خوبی بیانگر توجه به شیوه‌های دفع منکرات از جامعه است.

بیانات آن حضرت معمولاً به‌صورت توصیه‌های حکومتی است که به جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم مربوط بوده و حاوی دستورالعمل‌هایی جهت اصلاح نابسامانی‌های جامعه و حذف زمینه‌های گناه و فساد است. این فرامین، موضوعاتی مانند تأمین عدالت اجتماعی، حفظ نظم و امنیت، نظارت بر اعمال کارگزاران حکومت، توجه به مفاهیم اخلاقی و تربیتی و چگونگی مبارزه با بزهکاران را در بردارد که همگی بیانگر روش‌های مؤثر مقابله با فساد و تبهکاری و تأثیر عوامل مختلف بر دوام یا فروپاشی جامعه است.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود قرن‌ها قبل از آن که پیشگیری غیر کیفری از جرم به شیوه علمی توسط دانشمندان علم جرم‌شناسی ارائه شود، این موضوع در نهج‌البلاغه حتی به نحو جامع‌تری مورد تأکید و توجه قرار گرفته است. اما متأسفانه به‌نظر می‌رسد فرمایشات امیرالمؤمنین علی(ع) در جامعه اسلامی ایران به نحو مطلوبی اجرا نمی‌شود. به همین دلیل ضرورت ایجاد می‌کند نیروی انتظامی رابطه قوی و کارآمد با خانواده‌ها در زمینه آموزش روش‌های پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی داشته باشد. این ارتباط باید دارای جنبه آموزشی باشد تا اطلاع‌رسانی؛ زیرا اطلاع‌رسانی به تنهایی نمی‌تواند در تقویت کارکرد خانواده تأثیر داشته باشد. برگزاری کلاس‌های آموزشی برای خانواده‌ها توسط نیروی انتظامی در راستای آموزش مهارت‌های جامعه‌پذیری از بهترین شیوه‌های همکاری پلیس و خانواده‌ها به‌شمار می‌رود. همچنین ارتقای باورهای دینی و فرهنگ قناعت‌پذیری در دستور کار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نیز صدا و سیما قرار گیرد به‌گونه‌ای که از طریق سمینارها و همایش‌های مختلف و یا از طریق اجرای برنامه‌های فرهنگی و هنری در صدا و سیما، موضوعات اخیرالذکر ترویج شود. همچنین ضرورت ایجاد می‌کند که نیروی انتظامی، گشت‌های خود را در سطح جامعه و به‌ویژه مناطقی که مستعد ارتکاب جرم هستند به‌صورت گشت خیابانی افزایش دهد و صرفاً اکتفا به مراجعه مردم به‌صورت حضوری به پلیس جهت طرح شکایت و یا تماس‌های تلفنی در مواقع اضطراری ننماید.

منابع

- پرادل، ژان (۱۳۸۱)، *تاریخ اندیشه‌های کیفری*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات سمت، چاپ اول.
- خالقی، علی (۱۳۸۷)، *آیین دادرسی کیفری*، انتشارات شهر دانش، تهران، چاپ اول.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۰)، *سیری در تربیت اسلامی*، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، چاپ چهارم.
- روسو، ژان ژاک (۱۳۸۶)، *امیل*، ترجمه غلامحسین زیرک‌زاده، انتشارات ناهید، تهران، چاپ چهارم.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۷)، *آسیب شناسی اجتماعی، جامعه شناسی انحرافات*، انتشارات سمت، تهران، چاپ سوم.
- علی بن ابیطالب (ع) (۱۳۸۴)، *نهج البلاغه*، ترجمه علی دشتی، نشر جمال، قم، چاپ اول.
- فیض، علیرضا (۱۳۸۱)، *مقارنه و تطبیق در حقوق جزای اسلامی*، وزارت فرهنگ و انتشارات اسلامی، تهران، چاپ ششم.
- کلارک، رونالدوی (۱۳۸۸)، *جرم‌شناسی پیشگیری*، ترجمه مهدی مقیمی و مهدیه تقی‌زاده، نشر سازمان زرد، چاپ اول.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۰)، *مبانی جرم‌شناسی*، جلد‌های اول و دوم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- گارلند، دیوید (۱۳۸۳)، *پاسخ‌های انطباقی مدرنیسم کیفری*، ترجمه محمد فرجیها (علوم جنایی) - مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، انتشارات سمت، چاپ اول.
- گسن، ریموند (۱۳۷۰)، *مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی*، ترجمه مهدی کی‌نیا، ناشر: مترجم، چاپ اول.
- مظلومان، رضا (۱۳۵۶)، *جرم‌شناسی (کلیات)*، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- معدنی، سعید (۱۳۸۱)، *خانواده و اعتیاد (مجموعه مقالات همایش آسیب‌های اجتماعی در ایران)*، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، چاپ اول.
- معین، محمد (۱۳۸۱)، *فرهنگ فارسی*، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، چاپ نوزدهم.
- میرخلیلی، محمود (۱۳۸۸)، *پیشگیری وضعی از بزهکاری با نگاهی به سیاست جنایی اسلام*، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم‌بیگی، حمید (۱۳۷۷)، *دانشنامه جرم‌شناسی*، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.
- هاشمی، محمد (۱۳۸۴)، *حقوق بشر و آزادیهای اساسی*، نشر میزان، چاپ اول.
- اشرفی، محمود و دهقان، اعظم (۱۳۸۲)، «*بزه‌دیدگان و خانواده*»، فصلنامه بصیرت، سال دهم، شماره ۳۱-۳۰.
- امین‌آقایی، مهرناز (۱۳۸۸)، «*نقش همکاری خانواده و پلیس در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی*»، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال اول، شماره ۲.
- رایجیان، مهرداد (۱۳۸۳)، «*رهیافتی نو به بنیان‌های نظری پیشگیری از جرم*»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸-۴۹.
- شیردل، ملیحه (۱۳۸۵)، «*عوامل گرایش زنان و مردان متأهل به روابط نامشروع جنسی*»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲.
- موذن‌زادگان، حسنعلی (۱۳۸۳)، «*کودکان و نوجوانان معارض با قانون و واکنش‌های اجتماعی*»، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری)، تهران، چاپ اول.

-
- نجفی‌ایرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۸۳)، «پیشگیری عادلانه از جرم»، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری)، تهران، چاپ اول.
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۳)، «حقوق پیشگیری از بزهکاری در ایران»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸-۴۹.